

اول شخص مفرد

توپخانه کیهان علیه نوبت و شبها



فریدون جیرانی

دوره نهم فیلم فجر، جنجالی‌ترین جشنواره شصت از کار درآمد. تا پیش از دوره نهم جشنواره رخداد مهمی بود که سینماگران و منتقدان و تماشاگران را زیر یک سقف گرد هم می‌آورد و سال به سال هم به رونقش اضافه می‌شد. به خصوص پس از پایان جنگ و تغییر فضای اجتماعی، سیاسی جامعه و تحولات فرهنگی که محصول عبور از دولت دفاع مقدس به دولت اول سازندگی بود، فضای جشنواره هم بازتر از گذشته شده بود. دوره نهم در تداوم این فضای نسبتاً باز برگزار شد و جنجالی بی‌سابقه به پا کرد. جشنواره نهم جشنواره‌ای بود که در آن دعوا شد و مدیریت سینما زیر سوال رفت. جنجالی که محصول نمایش ۲ فیلم «نوبت عاشقی» و «شب‌های زاینده رود» بود. فخرالدین انوار، معاون امور سینمایی مخالف نمایش این فیلم‌ها در جشنواره بود اما سید محمد بهشتی، پای نمایش ۲ فیلم مخملباف ایستاد. مهم‌ترین چهره روشنفکران مسلمان در سینمای دهه ۶۰، با تغییرات گسترده‌اش همه چیز را به هم ریخت. بعد از نمایش «نوبت عاشقی» و «شب‌های زاینده رود» روزنامه کیهان به سردبیری مهدی نصیری، پرچمدار مخالفان فیلم شد. مهدی نصیری مقاله تندی علیه نوبت عاشقی و شب‌های زاینده‌رود نوشت که جوابش را هم سازنده این فیلم‌ها داد و هم کارگردان‌های دیگر. بهروز افخمی را یادم هست که پاسخ تند و تیزی به مهدی نصیری داد. افخمی همین دوره با «عروس» پدیده جشنواره نهم بود. شخصیت اصلی فیلم «عروس» با بازی ابوالفضل پورعرب که با همین فیلم ستاره شد، اولین قهرمان سینمای پس از انقلاب است که شمایل ضدقهرمان دارد. در مولودرام خوش آب و رنگ فیلم «عروس» جنگ در پس زمینه حاضر است. حمید خوش‌مرام، شخصیت اصلی فیلم، زمان جنگ قاچاق دارو می‌کند و ثروتمند می‌شود. تمام مدت در «عروس» در پس زمینه شاعرهای جنگ شنیده می‌شود. فیلم محبوب داوران دوره نهم «پرده آخر» بود. اولین ساخته واروژ کریم‌مسیحی، که پس از سال‌ها دستگیری برای فیلمسازان مهمی چون بیضایی، فیلمی می‌سازد که در آن تکنیک و فن‌آوری مهم است. داوران جشنواره نهم، به شدت شیفته «پرده آخر» شدند. فیلم در رشته‌های فنی تقریباً همه جوایز را درو کرد. سیمرغ‌های دوره نهم به فیلم واروژ، یک جور ستایش از مهندسی سینما و فن و تکنیک بود. دوره نهم، محل درخشش یکی از فیلمسازان دهه ۶۰ بود. یدالله صمدی با «پارتمان شماره ۱۳» که یک کمدی شهری بود. جوایز بهترین فیلم و فیلمنامه را گرفت.

سارا حاتمی برنده سیمرغ بازیگر زن در جشنواره ۴۱ از حضورش در این فیلم می‌گوید

همراهی با شاعرانگی

آبی روشن

فهیمه پناه‌آذر

«زخم کاری» در شبکه نمایش خانگی باعث شد در بازیگری شناخته و به یک چهره تبدیل شود. بازیگر جوانی که سال گذشته

و در جشنواره فیلم فجر چهل و یکم جایزه بازیگری را برای فیلم سینمایی «کت چرمی» گرفت. این بار در دومین تجربه بازی‌اش در فیلم سینمایی «آبی روشن» حضور دارد. فیلمی به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا که به‌نظر فضای شاعرانه‌ای دارد.

تجربه بازی در یک فیلم با فضای شاعرانه چگونه بود؟

فضای آبی روشن با وجودی که شاعرانگی خاص خود را داشت، توانسته بود یکسری مسائل شخصی را که دغدغه‌های اصلی فیلم بود پیش ببرد. می‌توانم بگویم مسائل شخصی و دغدغه‌های فیلم به واسطه شاعرانه بودن توانسته بود کار را برای خود کاراکتر آسان‌تر کند چرا که اتمسفری که فیلم داشت باعث می‌شد که از یک فیلم اجتماعی فاصله بگیرد و در عین حال مسائل اجتماعی و خانوادگی را مطرح کند. کاراکتر من با شاعرانگی در آبی روشن پیش می‌رفت.

به نظر می‌رسد در آبی روشن تجربه یک کار بومی را داشتید. این تجربه چگونه بود؟

راستش تمام شهرهایی را که در آنها آبی روشن فیلمبرداری می‌شد برای نخستین بار می‌دیدم. طبیعت این شهرها بکر و زیبا بود و واقعا اتمسفر لوکیشن‌ها به من در بازی خیلی کمک می‌کرد. در این فیلم به دور از اغتشاش فکری می‌توانستم به‌عنوان یک بازیگر تمرکز روی کاراکتر داشته باشم. سکوت و طبیعت به من انرژی خوبی برای بازی می‌داد و ناخواه از زندگی روزمره دور می‌شدم و تنها به بازی در کاراکتری که داشتم فکر می‌کردم.

بعد از کت چرمی و در دومین فیلم سینمایی خود چطور شد که بازی در این فیلم را قبول کردید؟

روز اولی که فیلمنامه را خواندم یکسری نکات را در فیلمنامه دیدم که درونیات کاراکتر را نشان می‌داد و برایم خیلی جذاب بود. فراز و نشیب‌های کاراکتر باعث می‌شد که خودم را به چالش بکشم و آن فضای شاعرانه من را درگیر کرده بود. سال گذشته نقشم در یک فیلم اجتماعی بود و امسال متفاوت. همین انتخاب‌ها به‌نظرم باعث می‌شود که کاراکترهایی را که قبول می‌کنم چالش‌برانگیز باشد و من را وارد یک چالش کند.

بازی در کت چرمی برای تان جذاب‌تر بود یا آبی روشن؟

در فیلم آبی روشن نقش بسیار متفاوتی نسبت به حضور اولم در سینما یعنی فیلم کت چرمی تجربه کردم و در ارتباط با کاراکتر ستاره در واقع با شخصیتی مواجه می‌شویم که مجبور است در مسیر زندگی پر نوسان و چالشی خود از نوجوانی عبور و مسیر بزرگسالی و بلوغ را تجربه کند؛ بلوغی که شخصیت او را پخته، محکم و مقاوم می‌کند؛ دختری که هنوز علایق دوران نوجوانی در وجودش بسیار پررنگ است اما شرایط زندگی راه دیگری را پیش روی قرار می‌دهد و مجبور است بزرگ شود و بزرگ فکر و عمل کند و با مسائل مختلفی مواجهه و برخورد داشته باشد. رفتارهای ستاره در این فرآیند او را تبدیل به یک زن بالغ می‌کند. این مسئله و تغییر تدریجی خیلی نقش را برای من جذاب و هیجان‌انگیز کرده بود و اینکه یک دختر نوجوان چرا باید دچار چنین سرنوشت ترازویی بشود، برایم دغدغه بود. سن و سال شخصیت ستاره ایجاب می‌کرد که مثل یک دختر نوجوان بتواند مسائل این سنسین را تجربه کند ولی بدون طی تجربیات کافی ناگهان وارد دنیای بزرگسالی و چالش‌هایش می‌شود و همین موقعیت متفاوتی را در قصه آبی روشن برایش رقم می‌زند.

فکر می‌کنید مانند کت چرمی از سوی داوران این دوره هم دیده شوید؟

به موفقیت فیلم در جشنواره فیلم فجر با توجه به کیفیتش و زحماتی که برای ساختن آن، عوامل پشت صحنه متحمل شدند بسیار امیدوارم. این نقش برای من فراتر از یک نقش و بازی در یک فیلم سینمایی است و پربارترین زحمت زیادی کشیدم.

فکر می‌کنید باز خوردها در باره آبی روشن در جشنواره چگونه است؟

این فیلم حال و هوای خاصی دارد. هم به یک موضوع اجتماعی و خانوادگی پرداخته و هم فضای فیلم شاعرانه است و طبیعت زیبایی دارد که به لحاظ بصری برای تماشاگر لذتبخش است. علاوه بر داستان شخصیت‌هایش، فضای مذهبی هم دارد که به‌نظرم همه اینها توانسته‌اند کنار هم خوب پیش بروند و به نوعی مکمل هم باشند و همین‌ها باعث جذب مخاطب چه در آکران جشنواره و چه آکران عمومی می‌شود.

